

الگوی کارآمد امنیت سیاسی در دولت اسلامی و نقش ناجا مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

عباس عرافی نظری^۱، محمدرضا شبانی^۲، سید فرشید کاظمی پیرسرا^۳

چکیده

زمینه و هدف: دولت اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که تمام ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. «امنیت» به عنوان مهم‌ترین دستور کار یک دولت، از مقوله‌های اساسی است که پیوندی بنیادین با جوهر وجودی انسان دارد. این مسئله در اسلام نیز از اهمیت خاصی برخوردار بوده و همواره طراحی آن در بستر نظام سیاسی اسلامی، مورد توجه بوده است. در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) کشور برای رسیدن به توسعه و افتخار، نیازمند امنیت است و از این جهت نقش ناجا اهمیت خاصی پیدا می‌کند. طرح این پرسش‌ها که الزامات دستیابی به الگوی کارآمد امنیت سیاسی در دولت اسلامی چیست و این‌که در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، نیروی انتظامی در تأمین امنیت چه نقش و جایگاهی دارد؟ از جمله مسائل مهمی هستند که پاسخ به آن‌ها، هدف این پژوهش است و موجد تبیین زمینه‌های تحقق دولت اسلامی است.

روش تحقیق: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای بوده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: مدعای نوشتار حاضر این است که با توجه به رویکرد اسلام، تمرکز بر بُعد کنشی- رفتاری امنیت، از الزامات دستیابی به الگوی کارآمد امنیت سیاسی است. در این راستا نیروی انتظامی به واسطه این‌که مسئولیت وسیعی در تأمین نظم و امنیت دارد، می‌تواند با کیفی سازی اقتدار «سخت و نرم»، سهم به سزایی در حذف «عناصر مخل امنیت» و نهایتاً در کارآمدسازی الگوی امنیتی در دولت اسلامی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: دولت اسلامی، امنیت، الگو، ناجا.

۱. دانش‌آموخته دانشکده مدیریت راهبردی فرهنگی دانشگاه عالی دفاع ملی، An.nazari@yahoo.com

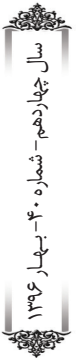
۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه علامه طباطبایی تهران، Rezashabani70@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی.

۱- مقدمه

بشر از آغاز ورود به پهنه هستی، با معمای امنیت روبرو بوده است؛ زیرا عوامل محیطی مهم‌ترین خطر نسبت به حیاتی‌ترین ارزش بشری، یعنی «زندگی» به‌شمار می‌آید؛ خطراتی که بسیاری از آن‌ها از سوی نیروهای طبیعی بود. بر این اساس می‌توان گفت که جستجوی امنیت پیوندی ناگسستنی با جوهر هستی انسان دارد و حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین امیال انسان است. انسان‌ها به‌طور کلی به‌منظور برآوردن نیازهای زیستی، با یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند؛ در این راستا، می‌توان مهم‌ترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا قوم کوچک یا یک کشور را تأمین امنیت جامعه و افراد آن دانست (روشندل، ۱۳۷۴: ۲).

به‌طور کلی انسان که به اقتضای خلقتش، اجتماعی آفریده شد، ناچار از وابستگی به «دیگری» و «دیگران» است و در طول تاریخ حیات پرفرازونشیب خود تأمین آرامش داخلی و آسایش اقتصادی و ایمنی در برابر تهدیدات فراوان، اندیشیدن و ابتکارات و خلاقیت‌های تکامل یافته خود را برای فراهم کردن وسایل گوناگون و رسیدن به این مقصود به‌کار گرفت. تدوین چارچوب‌های مختلف انضباطی و وضع قوانین و مقررات جمعی منتهی به ایجاد حکومت برای اداره جامعه، از جمله مهم‌ترین ابزارها و وسایلی است که برای تأمین نیازهای امنیتی به جامعه بشری معرفی شده است. مجموعه این ابتکارها و خلاقیت‌ها در نهایت به ایجاد گسترش چتری حمایتی منجر می‌شود که در سایه آن، فرد و جامعه به بقا و حیات خود تداوم می‌بخشند و در نبود آن به وضعیتی می‌رسند که به آن آنومی (بی‌قانونی و عدم تعادل در شرایط اجتماعی) گفته می‌شود (ذاکر اصفهانی؛ صادقی، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۳). اندیشمندان سیاسی، برقراری امنیت و ثبات در یک جامعه را به‌طور کلی از وظایف اصلی حکومت‌ها می‌دانند. در واقع از گذشته‌های دور تاکنون، دستور کار اصلی دولت، تأمین امنیت جان مردم از خطرات داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت جمعی بوده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۳). مقوله امنیت در اسلام از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است و همواره طراحی آن در



بستر نظام اسلامی مورد توجه بوده است. این مفهوم از جمله موضوعاتی است که در قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع در اسلام، به گستردگی به آن اشاره شده است (همان، ۱۳۸۵: ۱۵۱). قرآن در واقع اولین منبع احکام اسلامی است که امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت بر شمرده است. به‌طور کلی مواردی چون باور به اصل توحید، التزام داشتن و تعهد به قوانین الهی، برقراری عدل و قسط، حق حیات، حق کرامت انسانی، حق آزادی، حق انتخاب، تساهل و تسامح، ترویج انفاق و ایثار، پرهیز از جنگ و خشونت در برخورد با مخالفان و صلح‌طلبی با آنان، اصل برادری و اخوت به‌جای دشمنی، همگرایی و وحدت، مبارزه با جنگ‌طلبان و منافقان، پرهیز از استبداد و ستم، حقوق و تکالیف متقابل حکومت و مردم، وحدت پیروان ادیان الهی، همزیستی مسالمت‌آمیز و ... از رؤس اصلی هستند که در تأمین امنیت، مورد توجه اسلام قرار دارند (امام‌جمعه‌زاده و درجانی، ۱۳۸۹: ۱۳۰-۱۳۴).

از دیگر سو، دین مبین اسلام از دیرباز در یک تقسیم‌بندی کلاسیک به سه بخش عمده: اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی و عملی طبقه‌بندی شده است. این بخش‌های سه‌گانه متناسب با ابعاد وجودی انسان یعنی ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری انسان هستند و می‌توان کلیت محتوای اندیشه سیاسی اسلام و متفکران مسلمان را در سه محور کانونی عقاید سیاسی، اخلاق سیاسی و احکام سیاسی نظریه‌پردازی کرد (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۵).

در مورد ادبیات این تحقیق می‌توان به کتاب «امنیت انسانی و دولت» (رهایی از ترس، رهایی از نیاز در دولت اجتماعی توسعه‌گرا) نوشته دکتر روح‌الله رهامی اشاره کرد که در آن به عناوینی همچون: چیستی امنیت و ایضاح توضیح مفهومی ابعاد، محورها و تأمین‌کننده‌های آن و نیز بررسی فلسفی ماهیت دولت و وظایف و کارکردهای آن پرداخته است.

با توجه به مقدمه‌ای که ارائه شد، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که: الزامات دستیابی به الگوی کارآمد امنیت سیاسی در دولت اسلامی چیست؟ و در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، نیروی انتظامی در تأمین امنیت سیاسی چه نقش و جایگاهی دارد؟

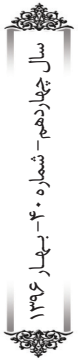
به نظر می‌رسد، مهم‌ترین راه‌ها یا الزامات دستیابی به امنیت، مواردی چون دوری از استبداد و ظلم، برقراری عدالت در جامعه و مقابله با اخلاط‌لگران داخلی و جنگ با دشمنان خارجی هستند. همچنین باید در کنار توجه به ابعاد کلامی - فکری و اخلاقی - روانی، توجه ویژه و مفصلی به بعد کنشی - رفتاری امنیت داشت. از طرفی نظر به جایگاه رفیع نیروی انتظامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری و نقش آن در تأمین امنیت، به نظر می‌رسد نیروی انتظامی می‌تواند با کیفی سازی اقتدار «ظاهری و معنوی» سهم به‌سزایی در حذف «عناصر مخل امنیت» و نهایتاً تحقق دولت اسلامی داشته باشد.

۲- روش پژوهش

مسائل اجتماعی دامن‌های گسترده دارند که حل آن‌ها به شناخت ریشه‌های ظریف، عمیق و به‌ظاهر نامرئی‌شان وابسته است. شناخت این مسائل خودبه‌خود مستلزم دانستن و تسلط بر مبنای روش‌های شناخت آن‌هاست. تحقیقات از نوع کمی و کیفی که از مبانی متفاوتی برخوردارند، این مسیرها را مشخص می‌کنند. در یک نگاه کلی، روشی که به‌طور غالب در این مقاله مورد استفاده، قرار خواهد گرفت را می‌توان توصیفی - تحلیلی نام نهاد. پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از اسناد، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، مطالب مورد نظر را در سه قسمت ساماندهی نموده است.

بدین صورت که در بخش نخست، به تبیین مفاهیم امنیت، امنیت سیاسی و دولت اسلامی می‌پردازیم و ابعاد سه‌گانه امنیت در اسلام - با تأکید بر قرآن کریم - مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در بخش دوم نیز به بررسی و تحلیل کارکرد دولت در ایجاد امنیت مطلوب می‌پردازیم و در بخش سوم بر اساس فلسفه وجودی نیروی انتظامی، نقش ناجا را در کارآمدی مدل امنیت سیاسی در دولت اسلامی، تبیین می‌کنیم.

یافته‌های پژوهش حاضر، بیانگر این مطلب است که نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران که به تعبیر مقام معظم رهبری «مجاهدان فی سبیل الله» هستند، می‌توانند با توجه توأمان



به ابعاد دوگانه اقتدار (وجوه سخت و نرم)، گام بزرگی در جهت رفع مخل‌های امنیتی و به تبع آن گام بلندی در الگوی کارآمد امنیتی در دولت اسلامی، بردارد.

۳- تعریف مفاهیم

۳-۱- امنیت

ریشه لغوی واژه امنیت، از «امن» و با مشتقاتی مانند «استیمان» و «ایمان» است که به اطمینان و آرامش در برابر خوف، ترجمه و تفسیر شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۹). همچنین در زبان فارسی به آامن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است. به‌طور کلی برخلاف معنای لغوی، در سطح اصطلاحی برای معنای امنیت، اجماعی وجود ندارد و تعاریف اصطلاحی متفاوتی از این مفهوم ارائه شده است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۰). تعریف دقیق و عام از «امنیت» به این دلیل میسر نیست که «امنیت» امری نسبی است و در اثر مسائل نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در هر منطقه و در هر زمان ممکن است تعریف متفاوتی داشته باشد (ترکمنی آذر، ۱۳۸۲: ۲).

در اینجا به تعدادی از تعاریفی که از امنیت صورت گرفته است اشاره می‌شود:

الف) مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت است و درباره افراد، به معنای آن است که در مورد حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به‌هیچ‌وجه حقوق آنان به مخاطره نیافتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نکند (عمید زنجانی، ۱۳۷۴: ۳۷۵).

ب) واژه امنیت در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است؛ شرایطی که در آن، فرد در معرض خطر نیست یا از خطر محافظت شود؛ ایمنی، رهایی از غم و غصه و تشویش و اضطراب، نبود خطر و یا احساس ایمنی و در دوری از آنها است. در این چارچوب، امنیت دربردارنده احساس اطمینان از دو بعد ذهنی (امنیت فکری، رهایی از ترس، آزادی بیان، امنیت شغلی، امید به زندگی و ...) و عینی (غذا، بهداشت، محیط‌زیست، کاهش فساد، مقابله با قاچاق انسان و کالا و ...) است (نظری، سازمند، ۱۳۸۹: ۱۸).

ج) امنیت به معنای آرامش، آسودگی و ایمنی است. در فرهنگ سیاسی مهم‌ترین عنصری که برای امنیت منظور می‌کنند، فقدان تهدید است؛ البته چون فقدان تهدید به‌طور مطلق و تمام، دست‌نیافتنی است، «به حداقل رساندن تهدید» را در مفهوم امنیت کافی دانسته‌اند (امام‌جمعه‌زاده و درجانی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

«والتر لیپمن» محقق و نویسنده آمریکایی، نخستین کسی است که مفهوم امنیت را به‌روشنی تعریف کرد: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ، بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را به‌پیش ببرد» (محمدی، ۱۳۸۱: ۷).

۳-۲- امنیت سیاسی

در یک نگاه کلی، هرگاه سخن از امنیت به میان می‌آید، آنچه در ذهن خطور می‌کند، امنیت جان و مال است؛ درحالی‌که برای یک جامعه پویا و سالم، امنیت در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی و ... مطرح می‌شود و لازم است که دولت، امنیت جامعه را در همه این ابعاد ایجاد نماید (زارع قراملکی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

بر همین اساس امنیت را می‌توان به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تقسیم کرد که در اینجا، بُعد سیاسی آن مدنظر است. «امنیت سیاسی» به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آن‌ها در مشارکت جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آن‌ها است. نظام سیاسی در راستای امکان‌بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه، باید امنیت و حضور آزادانه و برابر آن‌ها را فراهم آورد و هیچ‌کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار نکند. درواقع امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده

سیاسی نداشته باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۵). به تعبیری امنیت سیاسی برای همگان تنها در سایه برابری در مقابل قانون - چه از نظر وضع قانونی و چه از لحاظ اجرای قانون - است (میراحمدی شیرینی، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۲).

بدیهی است چنین امنیتی هرگز در حکومت‌های خودکامه (استبدادی) ایجاد نخواهد شد. در حقیقت بین امنیت و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی رابطه معکوسی وجود دارد؛ هر قدر حکومت‌ها خودکامه‌تر باشند آزادی کمتر، خشونت بیشتر و در نتیجه امنیت سیاسی کمتر خواهد بود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۹). ثبات سیاسی، محصول امنیت سیاسی و در اصل ناظر به وجود توازنی بین «خواست‌های مردمی» از یک سو و «کار ویژه‌های حکومتی» از سوی دیگر است (همان).

۴- ابعاد سه‌گانه امنیت سیاسی از منظر دولت اسلامی

۴-۱- بُعد کلامی - فکری

منظور از ابعاد کلامی و فکری اشاره به مفاهیمی است که به‌طور غیرمستقیم و با ایجاد مبانی ذهنی و فکری مقدماتی زمینه‌های ایجاد شرایط خاصی را فراهم می‌آورد. در این مورد، یکی از مفاهیم و اصول اساسی که از منظر اسلام نقش مهمی در ایجاد امنیت در جوامع دارند، «توحید» و رابطه آن با مفهوم امنیت است.

به‌طور کلی، هسته مرکزی جهان‌بینی اسلامی را «توحید» شکل می‌دهد. توحید در واقع نقطه آغازین تمامی ادیان الهی است. این اصل به دلیل ترسیم خطوط قرمز یا نبایدهایی که هیچ‌یک از عوامل امکان تخطی از آن‌ها را ندارد، منجر به ایجاد نوعی همبستگی در عناصر مختلف امنیتی می‌شود. از این منظر التزام به «نبایدهای شریعت» موجب وفاق و همدلی می‌گردد. بر این اساس، می‌توان چنین بیان نمود که ساخت گفتمانی امنیت در اسلام، به دلیل محوریت و نقش مرکزی توحید، متضمن همگرایی و به هم پیوستگی است که در مطالعات امنیتی، دلیلی برای استحکام، ثبات و امنیت جامعه و نظام سیاسی ارزیابی می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۱۹).

از دیدگاه اسلام، در نظام‌های استبدادی، حاکمان از طریق استضعاف و اعمال محدودیت‌های فکری و معرفتی، ملت‌ها را تضعیف می‌کنند و تحت تسلط قرار می‌دهند تا بدین وسیله، به شکل ظاهری امنیت‌سازی گردد. در واقع این همان ویژگی است که خدای متعال در قرآن، از خصوصیات نظام فرعونی معرفی فرموده است.

۴-۲- بُعد اخلاقی - روانی

ریشه و اساس ابعاد امنیت از دیدگاه اسلام، در ایمان و باورهای عمیق دینی و امنیت معنوی نهفته است. بنا به آیات قرآن، می‌توان فهمید که عدم خوف، اندوه و تأمین امنیت از دستاوردهای ایمان است که خداوند در آیه زیر به آن بشارت داده است: ﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (یونس، ۶۲) «آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند».

در آموزه‌های قرآن کریم، امنیت دنیایی امری نسبی است و «امنیت واقعی» در جهان آخرت وجود دارد. از این منظر، اگرچه ممکن است مؤمن در دنیا به ابتلائات و ناامنی‌های ظاهری دچار شود، اما قلب او به پشتوانه مدد الهی، دارای امنیت و آرامش معنوی است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۶۷). از منظر قرآنی، در صورتی امنیت معنوی، افزون بر سطح فردی، در سطح اجتماعی و عمومی حکم فرما خواهد شد که اعضای جامعه با خدا ترسی و تقوای پیشگی، اجتماع متعاون خود را تشکیل دهند.

۴-۳- بُعد کنشی-رفتاری

همان‌گونه که عنوان شد، از دیدگاه اسلام برقراری امنیت یکی از وظایف اصلی حکومت به حساب می‌آید. در واقع این امر از ضروری‌ترین و فوری‌ترین وظایف حکومت اسلامی در حوزه درونی و بیرونی جامعه اسلامی است (یوسفی، ۱۳۸۹: ۶۳).

در اسلام اهمیت امنیت، به اندازه‌ای است که علاوه بر امن دانسته شدن برخی از اماکن، برخی از ماه‌ها و زمان‌ها نیز زمان‌های امن به حساب آمده است. بر این اساس، ماه‌های

چهارگانه حرام (رجب، ذی‌قعدة، ذی‌حجه و محرم) که اسلام بر حرمت آنها تأکید جدی دارد، نشانه اهمیت امنیت از نگاه اسلام است.

۴-۳-۱- پرهیز از ظلم و استبداد

به‌طورکلی پرهیز از ظلم و استبداد از سوی حاکمان و کارگزاران و رهبران دینی در جهت تأمین امنیت سیاسی و دینی جامعه اسلامی، در اندیشه اسلامی، امری الزامی در نظر گرفته شده است؛ به‌طوری‌که شاید بتوان گفت، کلید اصلی تأمین امنیت از منظر قرآن و اسلام، نفی ظلم و استبداد و مبارزه همه‌جانبه با آن است. از این منظر، آلوده شدن به ظلم، امنیت را از بین می‌برد. خداوند در واقع فریاد توأم با پرخاش را فقط در مورد کسانی اجازه داده است که به آن‌ها ظلمی شده است. آیات زیر به این مطلب اشاره دارند:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ﴾ (أنعام، ۸۲) «کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند».

۴-۳-۲- برقراری عدالت و مقابله با اخلال گران

از دیدگاه اسلام دولت، فارغ از همه ملاحظات نژادی، زبانی، اعتقادی و ... در قبال تأمین امنیت کلیه افراد تحت حاکمیت خود، مسئولیت دارد. از این منظر افرادی که در حاکمیت دولت اسلامی زندگی می‌کنند افزون بر حرمت ناشی از «شأن انسانی‌شان» از آن لحاظ که شهروند حکومت به‌شمار می‌آیند درخور رعایت و حمایت قدرت سیاسی هستند؛ به‌عبارت‌دیگر «امنیت» کالای عمومی است که تمامی افراد، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، باید به‌طور یکسان از آن برخوردار باشند.

عدالت از دیدگاه اسلام و قرآن به معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش، حق را به حق‌دار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌هاست (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱۰). قرآن کریم، بنیان و نظام عالم را بر اساس عدل و عدالت معرفی می‌کند و معیار و اساس نظام تشریح و قانون‌گذاری را بر مبنای اصل عدل و قسط بیان کرده است. عدالت و قسط، ملاک اساسی

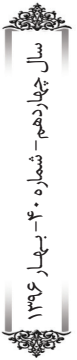
و اولیة دین و شریعت و تمام قواعد حقوق مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امور انسانی است و از این رو اصل اولیه‌ای است که تمام اعتبارات زندگانی و حیات بشری بر آن بنا می‌شود و هدف حکومت اسلامی ایجاد عدل و قسط در تمام ابعاد آن است. بر این اساس در نظام اسلامی «عدالت» مبنای همه تصمیم‌ها و جهت‌گیری‌ها است و همه مسئولان مکلف به تحقق آن هستند (زارع قراملکی، ۱۳۸۹: ۸۲). در فرهنگ اسلام، نظم جامعه در صورتی عادلانه است که بر قوانین عادلانه استوار باشد. نظم عادلانه نیز امنیت همه‌جانبه را به ارمغان خواهد آورد؛ بنابراین با توجه به این که قوانین الهی عادلانه هستند، نظم مبتنی بر این قوانین، امنیت را به دنبال خواهد داشت (امام جمعه‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

۴-۳-۳ جهاد با مشرکان و دشمنان خارجی

در راستای تأمین امنیت عمومی توسط حکومت اسلامی، افزون بر مبارزه با محاربان، اصل جهاد و قتال با دشمنان خدا و جامعه اسلامی نیز از منظر اسلام و قرآن کریم، از جمله ضروریات تأمین امنیت سیاسی است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

به‌طورکلی، جهاد یکی از شیوه‌های گسترش حاکمیت دینی محسوب می‌شود. این اصل به معنای تلاش برای حاکمیت دین است. در روایت‌های اسلامی و کلمات علمای اسلام، جهاد در موارد «جهاد نفس» برای تسلط انسان بر قوای حیوانی و جهاد برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی به‌کار می‌رود. در این مسیر، تلاش برای اعتلای کلمه الله و گسترش اسلام با عناوین جهاد مالی، جانی و فرهنگی بیان شده است، اما در بیشتر موارد، وقتی جهاد به‌صورت مطلق بیان می‌شود، مراد مبارزه بیرونی برای گسترش اسلام و دفاع از عقاید دینی و سرزمین اسلامی است؛ چه این امر با مال باشد، چه با جان. البته در بیشتر موارد به معنی مبارزه مسلحانه برای رفع موانع اسلام و گسترش حاکمیت دینی نیز استعمال می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۹: ۶۱).

شرط اساسی ایمان و تنعم در بهشت جاودان، میزان و معیار درجه‌بندی امتیازات در جامعه اسلامی معرفی شده است. جهاد اگرچه در راه خدا انجام می‌گیرد، اما نفع آن در حیات سیاسی، به خود مؤمن و جامعه اسلامی و تضمین سلامت و امنیت آن برمی‌گردد (اخوان



کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

شناخت ماهیت دشمنان خدا که دشمنان خلق خدا نیز هستند، ستیز مداوم با آنان، هوشیاری در برابر توطئه‌های آنان، به دوستی نگرفتن آنان و وابستگی نبودن به آنان و کمک نگرفتن از آنان از جمله مسائل مؤکدی هستند که قرآن کریم در ده‌ها آیه به گونه‌های مختلف مطرح نموده و آگاهی لازم در این زمینه‌ها را شرط ایمان واقعی شمرده و از آن‌ها به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در حیات سیاسی جامعه اسلامی یاد کرده است (همان، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

۵- تبیین مفهوم دولت اسلامی

دولت اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳). دولت اسلامی، دولتی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد؛ بدین ترتیب، دولت اسلامی از همه ویژگی‌های دولت الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان‌احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۲). برای حصول دولت اسلامی، باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل شود. به اعتقاد زرین‌کوب «جامعه اسلامی جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود» (زرین‌کوب، ۱۳۸۴: ۲۹).

مقام معظم رهبری، دولت اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات، خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد؛ انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار باشد. دولت اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی نیز این است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲).

در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا می‌شود.

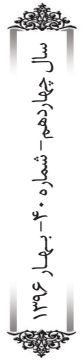


در جمع‌بندی آرای فوق، این نکات را می‌توان بیان کرد:

- (۱) دولت اسلامی بر اساس آیات قرآن و توسط پیامبر ﷺ پایه‌ریزی شده است.
- (۲) دولت اسلامی همه ابعاد معنوی و مادی بشر در همه مکان‌ها و زمان‌ها را شامل می‌شود.
- (۳) از آنجایی که دولت اسلامی بر اخلاق دینی متکی است، دارای پویایی است. به‌طور کلی، مراد از دولت اسلامی، همه دستاوردهای مسلمانان در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی، مادی و معنوی، صنعت، اختراعات و اکتشافات است که از عصر پیامبر ﷺ شروع شد و با گسترش قلمرو اسلامی از مرزهای غربی چین تا اندلس را در بر گرفت.

مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «از همان اوان کار، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد. بعضی‌ها می‌گویند شما بعد از ۲۷ سال می‌خواهید دولت اسلامی تشکیل دهید؟ نه تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ منتها افت‌وخیز داشته؛ پیشرفت و عقب‌گرد داشته؛ درجهایی موفق بودیم، در برهه‌ای موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پایمان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردد شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه‌داریم؛ دل‌بسته به رفتارهای طاغوتی شدیم».

«اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد. اگر من و شما در معاشرت، در رفتار، در طلب مال، در مجاهدت‌ها، نتوانستیم خود را به حدنصاب برسانیم، از آن دانشجوی، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده‌های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری، چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بیخود ملامت می‌کنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم؛ لوموا انفسکم»^۱.



۱. اشاره است به آیه: ﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَوَلُّوا أَنْفُسَكُمْ...﴾ (ابراهیم، ۲۲) «و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می‌گوید: در حقیقت، خدا به شما وعده داد وعده راست و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود، جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابت نمودید. پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید...».

۶- جایگاه دولت و کارکرد امنیت‌ساز آن در اسلام

«صیانت نفس» یکی از معانی اولیه امنیت و از جمله دلایل اصلی پیدایش و ضرورت امنیت است. ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت، استقرار و حفظ امنیت در اجتماع است. البته بحث امنیت در هر زمانی، معنای خاصی داشته است؛ گاه تنها معنای «حفظ جان و صیانت نفس» (در اندیشه هابز) داشته و زمانی دیگر، «حفظ اموال و دارایی» (در اندیشه لاک) به معنای آن اضافه شده است. امروزه معنای امنیت علاوه بر مسائل جانی و مالی به حوزه‌های متفاوت آزادی، مشارکت سیاسی، تأمین اشتغال و رفاه و حتی بهره‌گیری از اوقات فراغت و برآوردن استعدادها هم کشیده شده است.

البته میزان و محدوده این موضوعات و حوزه‌ها متناسب با بینش و اندیشه نظام‌های سیاسی و نوع آن‌ها است؛ دینی یا سکولار و لائیک بودن، لیبرالیستی یا مارکسیستی بودن، توتالیتر و انحصارگرا یا دموکرات بودن، به جامعه مدنی و حوزه خصوصی افراد اهمیت دادن و عواملی دیگر بر مؤلفه‌ها چارچوب امنیت تأثیر می‌گذارد. در رویکرد تحلیلی با توجه به این که بحث امنیت و سرایت و گستراندن آن به حوزه سیاسی یعنی بحث مشارکت سیاسی در قالب احزاب، مطبوعات، گروه‌ها و سندیکاها و آزادی‌ها در دوران جدید اتفاق افتاده است؛ قائل به تعریف این مفهوم در حیطه حوزه غیردولتی است. مطابق این رویکرد طرح مسائلی چون اهمیت این مسائل ریشه در افزایش فردیت افراد و حقوق آنان با توجه به مسائلی چون موضوعیت یافتن تک تک افراد، آزادی، رفاه، فعلیت یافتن استعدادها و... مؤید این مدعاست (حسنی فر، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

دولت و حکومت در جامعه اسلامی، تنها بیانگر مجموعه نهادها همچون سایر جوامع نیست، بلکه از نگرش‌ها و شیوه‌های خاصی از رفتار و عمل حاکی است که «مدنیت اسلامی» خوانده می‌شود و در کلیت خود «تمدن اسلامی» نامیده می‌شود.

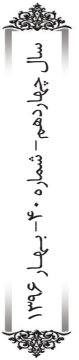
به این ترتیب حکومت اسلامی مختصات شکلی و محتوایی خاص خودش را دارد. فطری بودن نیاز به تشکیلات حکومتی، به حدی بود که وقتی پیامبر اسلام ﷺ پس از هجرت به مدینه دست به ایجاد دولت اسلامی زد، مردم با وجود سؤالاتی که در زمینه حیض، هلال،

انفاق و دیگر مسائل عادی مطرح می‌کردند و از پیامبر ﷺ توضیح می‌خواستند در این مورد (تشکیل دولت) هیچ‌گونه سؤالی مطرح نمودند و توضیحی نخواستند و حتی در جریان‌های پس از رحلت آن حضرت نیز با تمامی فرازها و نشیب‌های آن هیچ سؤالی نداشتند؛ دلیل آن نیز از همین احساس فطری سرچشمه می‌گرفت. هرگز شنیده نشد کسی بگوید: اصل انتصاب خلیفه لزومی ندارد یا دلیل بر لزومش نداریم، زیرا همه به انگیزه فطرت، احساس می‌کردند که چرخ جامعه اسلامی بدون گرداننده، خودبه‌خود گردش نخواهد کرد و دین اسلام این واقعیت را که در جامعه اسلامی باید حکومتی وجود داشته باشد، امضای قطعی نموده است (سایت پرسمان دانشجویی).

در دیدگاه اندیشمندان و متفکران اسلامی، برای جلوگیری از هرج و مرج و ناامنی، رفع دشمنی‌ها و بقای نسل بشر و برآوردن نیازها و احتیاجات آن، مقابله با دشمن و حفظ مرزهای کشور ضروری است. همه اندیشمندان اسلامی، اعم از شیعه و سنی، همانند فارابی، ابن‌سینا، ماوردی، اخوان الصفا، عامری، غزالی، ابن‌جماعه، ابن‌خلدون، ابن‌تیمیه و... در آثار و کتب خود بر ضرورت دولت اشاراتی داشته‌اند (لمبتون، ۱۳۷۴: ۴۹۷).

در این مورد کلام حضرت علی (علیه‌السلام) روشن‌نگر است؛ آن‌جا که خوارج شعار «حکم و حکومت، فقط از آن خداست» را سر می‌دادند می‌فرمایند: «در جامعه باید حاکم (حکومت) وجود داشته باشد چه صالح و چه فاجر؛ تا مؤمن در حکومت او کار خویش کند و کافر بهره خود را برد و در سایه حکومت، مال دیوانی را فراهم آورند و با دشمنان پیکار کند و راه‌ها را ایمن سازند و با نیروی آن، حق ناتوان را از توانا بستانند تا نیکوکردار، روز به آسودگی به شب رساند و از گزند تبه‌کاران در امان ماند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰).

حضرت علی (علیه‌السلام) از این محورها به‌عنوان وظایف اصلی حکومت‌ها یاد می‌کنند: نصیحت مردم، آگاهی‌بخشی به معنای نشان دادن راه درست و غلط، ایجاد رفاه و آسایش، تقسیم ثروت جامعه و بودجه و بیت‌المال، آموزش و تعلیم، جلوگیری از جهالت در تمام زمینه‌های علمی، فنی و تربیت مردم نسبت به رعایت شئون همدیگر و اخلاقیات در جامعه، تأسیس



نظام قضایی و مجازات متخلفان و گناهکاران از طریق قانون (نهج البلاغه، خطبه ۳۴۰).
 نامه آن حضرت به مالک اشتر، سرشار از سفارشات سیاسی و یادآوری‌ها و گوشزد کردن
 وظایف حکومت و حاکم در قبال مردم است (حسنی فر، ۱۳۸۳: ۱۲۷-۱۲۹). تردیدی نیست
 که بعثت انبیا و شریعت اسلام در جهت تحقق بخشیدن به یک سلسله اهداف مانند ایجاد
 امنیت در ابعاد مختلف آن بوده است و قرآن در مواردی از آن اهداف عالی به بصراحت یاد
 کرده است. پرواضح است که برای این منظور نیاز به وسایل و ابزار و امکانات فراوانی است
 که باید در جامعه فراهم گردد و یکی از ضروری‌ترین آن‌ها برنامه‌ریزی و تشکیلات اجرایی
 و دستگاه‌های حکومتی است.

اگر به وسعت و عمق این اهداف کلی و مراحل مختلف آن توجه کافی مبذول گردد،
 تردیدی باقی نخواهد ماند که اسلام اگر خواهان تحقق عینی این هدف‌ها است ناگزیر به
 ملازمه عقلی برپایی تشکیلات حکومتی لازم برای رسیدن به آن هدف‌ها را نیز خواسته است.
 دولت اسلام برآیند نیازها و احتیاجات واقعی بشر است و مشخص است که امنیت مهم‌ترین
 و بدیهی‌ترین مطلوب جامعه انسانی و ایمانی است؛ از این رو در روایات اسلامی، تأمین امنیت
 از وظایف مهم دولت به‌شمار آمده است که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

در روایت فضل بن شاذان از حضرت امام رضا (علیه السلام) درباره فلسفه و حکمت انتخاب «ولی الامر»
 و ایجاد حکومت جلوگیری از تعدی به حقوق دیگران و منع ظالمان از تجاوز به ساحت
 مظلومان، آمده است (علل الشرایع: ۲۵۳).

امیر مؤمنان (علیه السلام) در رد منطبق خوارج می‌فرماید: «هُؤْلَاءِ يَقُولُونَ لَا إِمْرَةَ وَ إِنَّهُ لَا يَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ
 أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيُبْلَغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ
 وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ»؛ «آنان می‌گویند:
 امارت جز برای خداوند نیست، درحالی‌که مردم ناچارند امیری داشته باشند، نیکوکار باشد یا
 بدعمل تا مؤمن در سایه حکومت او بر انجام وظایفش قیام کند و کافر به زندگی خود پردازد
 و خداوند به هر کس عمر تعیین شده‌اش را عطا کند (یعنی کشت و کشتار موجب اجل‌های

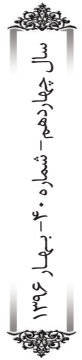
الگوی کارآمد امنیت سیاسی در دولت اسلامی و نقش ناجی
 «مبستی بر مغزومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»

زودرس نشود) و ثروت مردم به وسیله او گردآوری و با دشمن نبرد شود و راهها امنیت یابند و حق مظلوم از ستمگر گرفته شود تا این که انسانهای نیک در راحتی به سر برند و از ناحیه بدکاران ایمن باشند» (نهج البلاغه: ۸۲).

از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) نامنی مقوله‌ای است که با عدم وجود دولت آمیخته است؛ دولت و امنیت رابطه‌ای ساختاری و ماهوی دارند به گونه این که برای تحقق آن چاره‌ای جز وجود دولت نیست، حتی اگر زمامدار فرد یا گروهی فاسد و فاجر باشند و آنچه به عنوان آثار دولت و زمامدار در این خطبه آمده است رابطه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم با مسئله امنیت دارد. این نکته را نباید از نظر دور داشت که حکومت فاجر گرچه برای مؤمن امنیتی کامل تأمین نمی‌کند ولی در مقایسه با آنارشیسم، وجود نامنی در آن کمتر است و بنابراین امنیت موردنظر در این خطبه، نسبی است. نکته دیگر این که: مقصود از «بلوغ اجلها» رسیدن اجل‌های طبیعی است؛ زیرا در اوضاع نامنی و رواج قتل و تجاوز به نفوس، اجل‌ها پیش می‌افتند و قبل از رسیدن به حد عادی و طبیعی مقرر خود، حادث می‌شوند (موسوی کاشمری، سایت مجلس خبرگان). همچنین در بخشی از یک روایت طولانی «عبدالعزیز بن مسلم» از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند که ایشان فرمودند:

«بِالإِمَامِ ... مَنَعَ الثُّغُورَ وَ الْأَطْرَافِ»؛ «به وسیله امام، مرزها و حدود کشور پاسداری می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵: ۱۲۳).

امام حسین (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحَطَامِ؛ وَ لَكِنْ لَتَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ، وَ نَظْهَرَ الْإِضْلَاحَ فِي بِلَادِكَ؛ فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ؛ وَ تَقَامُ الْمَعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» (همان، ج ۳۴: ۱۱۱)؛ «بار خدایا! تو می‌دانی که آنچه کردیم از سر قدرت‌طلبی و حرص دنیا نبوده است، بلکه برای آن بوده است که نشانه‌های دین تو را برگردانیم و اصلاح را در جامعه، نمودار و ظاهر کنیم تا ستمدیدگان از بندگانت احساس امنیت کنند و حدود تعطیل شده، جریان یابد».

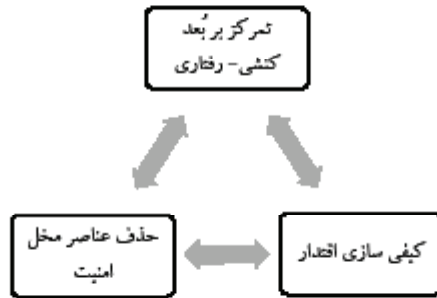


با تعریف و توضیحاتی که در ارتباط با نظام سیاسی اسلامی از جانب اندیشمندان و متفکران دینی ارائه شد، هدف نظام سیاسی و دولت، «لزوم هدایت مردم به سمت سعادت و کمال و در نظر گرفتن رشد ابعاد جسمانی و روحانی انسان در این دنیا و آخرت» است.

این هدف در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی هم آمده است: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است» (مقدمه قانون اساسی، ۱۳۸۱: ۷) که حکومت در آن «به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید» (همان: ۱۳) و هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید.

پس به‌طور کلی هدف اصلی حکومت در قانون اساسی، رشد معنوی انسان به سوی اهداف تعیین شده از طرف اسلام است. البته نفس وقوع انقلاب هم برافزایش مسئولیت‌ها و ابعاد آن و حداکثری شدن نظام سیاسی تأثیر می‌گذارد. در این زمینه «هانتینگتون» می‌گوید: «انقلاب‌ها، حکومت‌های نیرومند را جانشین حکومت‌های ضعیف می‌سازند. این حکومت‌های نیرومند بر اثر تمرکز قدرت و از آن مهم‌تر، به خاطر گسترش قدرت در نظام سیاسی پدید می‌آیند... کارکرد تاریخی و راستین انقلاب‌ها، احیا و تقویت قدرت است» (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۴۵۳).

دولت‌های انقلابی غالباً به مداخله وسیع در عرصه اقتصاد می‌پردازند و سیاست‌های ملی کردن و دولتی نمودن بنگاه‌ها و مؤسسات اقتصادی را به سرعت اجرا می‌کنند. انقلاب، فرهنگ سیاسی جدیدی به وجود می‌آورد و ارزش‌ها و هنجارهای تازه‌ای را ترویج می‌نماید که این فرهنگ سیاسی جدید، برگرفته از ایدئولوژی و آرمان‌های انقلاب است (معظم‌پور، ۱۳۸۲: ۳۲۱).



شکل (۱) «مدل امنیت سیاسی مطلوب در دولت اسلامی»

۷- نقش پلیس در ارتقای مدل مطلوب امنیت سیاسی در دولت اسلامی

اهمیت و ضرورت پلیس در جامعه به اهمیت و ضرورت وجود امنیت در زندگی برمی گردد. از آن جاکه «امنیت» نعمتی بی بدیل در همه ابعاد فردی و اجتماعی و از نیازهای اصلی فرد و جامعه است و ایجاد و گسترش آن نیز وظیفه حکومت‌ها، دولت‌ها و آحاد ملت است، هیچ مکتب یا نظام حقوقی نمی تواند نسبت به آن بی تفاوت باشد، زیرا «امنیت» عامل مهمی برای پیشرفت و تعالی جامعه است. در کشور ما «سازمان پلیس» مظهر تدبیر، مدیریت، اقتدار و عطف نظام اسلامی است (غیائی، ۱۳۹۰: ۵).

پلیس اسلامی، از آشکارترین جلوه‌های اقتدار، رأفت و محبت نظام و میدان عملی شدن بسیاری از ارزش‌ها و فضایل اخلاقی است. با مروری بر نقش و عملکرد پلیس در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی مانند تأمین امنیت عمومی شهرها و حفاظت از امنیت روستاها و مناطق دورافتاده کشور، تأمین امور انتظامی دستگاه عظیم اداری کشور توسط پلیس پیشگیری، مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر به عنوان ریشه‌دارترین توطئه فرهنگی- اجتماعی، انتظام بخشیدن به امور ترافیک و حمل و نقل شهری و نیز نظم و هدایت امور ترافیک جاده‌ای به عنوان شریان‌های حیاتی اقتصادی و ارتباطات کشور توسط پلیس راهور، انجام امور اجرایی مربوط به اتباع کشورهای خارجی در بُعد انتظامی و کنترل عملکرد آنان در داخل کشور، همکاری با شبکه جهانی پلیس (اینترپل) در راستای اهداف این سازمان بین‌المللی در مورد

شناسایی و استرداد مجرمان طبق توافقنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، برگزاری موفق مراحل متعدد همه‌پرسی‌ها و انتخابات در سراسر کشور در طی سالیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت انتظامی، امنیتی و حراستی، ایجاد بستری امن و آرام در فضای مجازی با تشکیل «پلیس فتا» و... می‌توان ادعا کرد از خیابان تا بیابان، از محیط عینی کوچک و بازار تا فضای مجازی، حضور پلیس امنیت‌بخش جامعه و نظام سیاسی بوده است. این مجاهدت فرماندهان و افراد نیروهای ناجا در جنگ سخت، نیمه سخت و نرم، به‌گونه‌ای بوده است که مورد تقدیر و تشویق و اعطای مدال «مجاهدان واقعی فی سبیل الله» از سوی فرماندهی معظم کل قوا گردید (حسینی، ۱۳۹۴).

با همه این مجاهدت‌ها، اینارگری‌ها و خستگی‌ناپذیری کارکنان ناجا در خدمت‌گزاری به مردم و دولت، هنوز تا تحقق اهداف اسلامی و تشکیل «دولت اسلامی»، «کشور و جامعه اسلامی» و «تمدن اسلامی» و مقدمه‌سازی برای تحقق «دولت کریمه مهدوی (عج)» فاصله قابل توجهی وجود دارد اما به این حال، لحظه‌ای نباید از تحقق این آرمان‌ها غفلت نمود. در شرایط خطیر امروزی، کارکنان نیروی انتظامی، باید به‌طور جدی تلاش کنند تا این نهاد انقلابی، افزون بر نقش کم‌نظیر خود در برقراری نظم و امنیت داخلی و پویایی انقلاب و کارآمدی نظام اسلامی، به سطح پلیس مطلوب اسلامی برسد و به سازمانی در طراز انقلاب اسلامی ارتقا یابد.

از بیانات مقام معظم رهبری چنین به دست می‌آید که پلیس ضمن پاسداری و مصونیت از خود، باید با تمام ویژگی‌های ارزنده‌اش، در همه ابعاد تقویت گردد تا در بستر معنویت و بصیرت، عزت و استقلال و اتکای به خداوند متعال به کمال‌یابی خویش ادامه دهد و همچنان در نقش بسیار مهم خود به‌عنوان «مجاهدان فی سبیل الله» در مجموعه نظام ولایی، ایفای نقش نماید. «عناصر پلیس از بالا تا پایین، باید به کمک آقایان محترم عقیدتی، سیاسی، این مجاهدت را بکنند که پلیس را به سطح پلیس اسلامی کامل برسانند» (بیانات در تاریخ: ۱۳۶۹/۰۷/۰۴).

با این توصیف، نیروی انتظامی، امانت گران‌سنگی است که باید آن را به برکت شهدا و مجاهدان پرافتخارش حفظ و تقویت کرد تا همچنان در جایگاه و منزلتی ایدئال و منطبق با معیارهای پلیس مکتبی، نقش ارزنده خود را در مجموعه نظام ولایی ایفا نماید. از این رو، همه متصدیان باید کوشش نمایند تا این نهاد انقلابی، روزبه‌روز بارورتر و پرتوان‌تر به وظیفه خطیر برقراری نظم و امنیت و پاسداری از دستاوردهای انقلاب، عمل کند.

اگر بخواهیم نقش پلیس را در تحقق دولت اسلامی بررسی کنیم، باید ابتدا دولت را پدیده‌ای تصور کرد که چهارپایه یا وجه دارد:

الف) وجه اجبار: دولت اساساً دارای پدیده‌های اجبارآمیز است. بدون وجود اجبار، دولت نمی‌تواند کارویژه‌های خود، همچون حفظ نظم و امنیت، حل منازعات، دفاع در مقابل مهاجمان خارجی و... را انجام دهد.

ب) وجه مشروعیت یا وجه مشروعیت‌بخشی: که در توجیه اقدامات حکومت و دلیل اطاعت مردم به کار می‌آید.

ج) وجه عمومی یا تأمین خدمات و کارویژه‌های عمومی: بدین معنا که دولت باید به حفظ همبستگی اجتماعی و سیاسی، حل منازعات و تطبیق با شرایط جدید و متحول پردازد و همچنین جهت دستیابی به اهداف کلی خود کوشش کند.

د) وجه تربیتی و پرورش فضیلت در شهروندان: دولت باید موجبات و بسترهای لازم برای تربیت شهروندان را فراهم کند.

در واقع، یک دولت زمانی کارآمد تلقی می‌شود که افزون بر داشتن چهره‌ای اجبارآمیز، بتواند در توجیه اقدامات خود، توفیق داشته باشد، کارویژه‌های عمومی خود را به نحو احسن انجام دهد و زمینه‌ها و بسترهای لازم برای تربیت شهروندان را فراهم آورد. در این میان، نیروهای حفاظتی مانند پلیس، علاوه بر این که جزئی از چهره اجبار دولت محسوب می‌شوند و در تأمین نظم و امنیت داخلی مؤثر هستند، در تأمین خدمات و ارائه کارویژه‌های عمومی دولت‌ها نیز می‌توانند ایفاگر نقش‌های بی‌بدیلی باشند. هرچند با تفسیری موسع از نقش پلیس، او می‌تواند در تربیت شهروندان نیز نقش داشته باشد (قربانی، ۱۳۹۴).

نکته دیگر این که کارآمدی نظام‌های سیاسی که با مفهوم پیشرفت ارتباط نزدیک دارد، تنها در شرایطی حاصل می‌شود که یک نظام سیاسی از بسترهای مساعد یا به تعبیر دقیق‌تر، از پیش شرط‌های اساسی پیشرفت مانند امنیت، ثبات و... برخوردار باشد که در این میان، نیروهای خدمتگزار پلیس با تأمین امنیت و ثبات در کشور می‌توانند زمینه‌ساز پیشرفت و ارتقای کارآمدی نظام اسلامی باشند؛ بنابراین، اگرچه در نگاه اول شاید نتوان نقش مستقیمی را برای پلیس در پیشرفت و کارآمدی نظام اسلامی متصور نشد اما باید دانست که تأمین نظم و امنیت داخلی که مأموریت اصلی پلیس محسوب می‌شود، زمینه‌ساز تحقق بسیاری از آرمان‌ها، از جمله کارآمدی نظام خواهد بود. بدین معنا که در نبود نظم و امنیت، نه پیشرفتی قابل دسترسی است و نه کارآمدی دولت، محقق می‌شود. در واقع نظام سیاسی و مملکت‌داری موفق و کارآمد در هر کشوری تنها با حضور و فعالیت دستگاه‌های مختلف شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد و در این زمینه، بدون شک نیروهای خدوم پلیس که عهده‌دار وظایف مهم و حساسی هستند، نقش بی‌بدیلی دارند (همان).

نقش ناجا در ایجاد دولت اسلامی را در بسیاری از رهنمودهایشان مورد توجه قرار داده‌اند. به این ترتیب با توجه به منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، می‌توانیم در راستای ارتقای مدل امنیتی مطلوب در دولت اسلامی، برای پلیس دو وظیفه در نظر بگیریم:

الف) درون‌سازمانی

«... عزیزان من! هر چه می‌توانید، در سالم‌سازی فضای درونی نیروی انتظامی تأکید کنید. هر چه می‌توانید، خود شما تخلفات داخلی نیروی انتظامی را بزرگ بشمارید» (بیانات در دیدار با کارکنان و فرماندهان نیروی انتظامی، ۲۵/۰۴/۷۶).

با این توضیح، بازنگری ساخت درونی و به تعبیر دیگر، ایجاد تحول معنوی و معرفتی در ابعاد و زوایای مختلف رفتار فردی، رفتار سازمانی و عملکرد بیرونی و به تبع آن اصلاح ساختاری و سیستمی مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی، در ردیف یکی از مهم‌ترین نقش‌های ناجا در تطابق با ویژگی‌های دولت اسلامی قرار دارد.

ب) برون‌سازمانی

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با اشاره به نقش ناجا در ایجاد امنیت در مسیر اهداف دولت اسلامی، این نیرو را «مظهر حاکمیت و امنیت» جمهوری اسلامی خوانده‌اند و با تأکید بر این‌که: ایجاد امنیت فردی، اجتماعی، اخلاقی و روحی و روانی در جامعه از مهم‌ترین مسئولیت‌های نیروی انتظامی است، گفته‌اند: «لازمه برقراری امنیت، اقتدار پلیس است، اما این اقتدار باید همراه با عدالت، مروت و ترحم باش.» (بیانات در دیدار با فرماندهان و مدیران، ۹۴/۲/۶).

«شعار عدالت اجتماعی نیز همین‌طور است. اهتمام به مسئله عدالت اجتماعی در کشور، نباید یک‌لحظه کاستی بگیرد. البته این قضیه، قضیه شعاری نیست، با گفتن هم مسئله تمام نمی‌شود؛ همه دستگاه‌ها باید تلاش کنند» (۷۶/۴/۲۵).

به‌طورکلی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مجموعه بیاناتشان، ایفای درست و کامل وظایف را، نقش اصلی و اساسی ناجا در ایجاد دولت اسلامی و برقراری امنیت و عدالت در جامعه، اعلام نموده و «اقتدار پلیس» را لازمه دستیابی به این هدف دانسته‌اند؛ درعین حال بر اقتدار توأم با مهربانی و عطوفت در برخورد با مردم، تأکید داشته‌اند و همانند سایر دستگاه‌ها، سازندگی درونی فرماندهان و کارکنان و نیز سازمان ناجا را در ابعاد مختلف مادی و معنوی، به‌عنوان مقدمه و پیش‌نیاز همه این نکات، مورد تأکید قرار داده‌اند.

۸- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در اندیشه سیاسی مدرن، دولت در فضای آنارشی مسئول ایجاد امنیت و مراقبت از آن است. از این دیدگاه دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند. از منظر جامعه‌شناسی و سیاسی نیز احساس امنیت سیاسی را می‌توان محصول کنش متقابل اجتماعی دانست که از درون تعاملات متقابل افراد، گروه‌ها و نهادهای سیاسی متجلی می‌شود. به بیان دیگر، احساس امنیت سیاسی در واقع نوعی تولید اجتماعی است و همه نهادهای اجتماعی و سیاسی در شکل‌گیری

آن سهیم هستند؛ بنابراین می‌توان گفت احساس امنیت سیاسی مفهوم چندوجهی و پیچیده است، زیرا اولاً احساس در فضای ذهنی و بین‌الذهانی شکل می‌گیرد؛ ثانیاً این احساس ناظر بر حوزه امنیت است که خود واجد صفاتی چون ذهنی بودن، نسبی بودن و مانند آن است. ثالثاً این احساس امنیت در حوزه سیاسی است که به تعبیر «ماکس وبر» حوزه قدرت است. در این مقاله، عنوان شد که مفهوم امنیت در اسلام از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است و قرآن کریم مهم‌ترین منبعی است که در اسلام مسئله امنیت را مورد توجه قرار داده است. قرآن کریم به‌طور کلی امنیت را یکی از اهداف استقرار و حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت برشمرده و آن را برای جوامع بشری، ضروری دانسته است. هم‌چنین بیان شد که امنیت از دیدگاه اسلام و قرآن کریم، دارای ابعاد و سطوح مختلفی از جمله ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... است و قرآن کریم برای دستیابی به امنیت در هر یک از ابعاد فوق، تدابیری دارد که از این میان، پژوهش حاضر تمرکز و تأکید خود را به دیدگاه قرآن کریم نسبت به امنیت سیاسی و چگونگی کسب آن اختصاص داده است. به نظر می‌رسد، مهم‌ترین راه‌ها یا الزامات دستیابی به امنیت سیاسی، مواردی همچون دوری از استبداد و ظلم، برقراری عدالت در جامعه و مقابله با اخلاط‌گران داخلی و جنگ با دشمنان خارجی هستند که در این میان نیروی انتظامی بر اساس فلسفه وجودی خود و آنچه از بیانات مدیرانه رهبر معظم انقلاب برداشت می‌شود، نقش به‌سزایی در تأمین و تضمین امنیت و به تبع آن ارتقای مدل امنیتی در دولت اسلامی دارد. در نتیجه می‌کوشد با افزایش اقتدار خود به این مهم جامه عمل بپوشاند.

با توجه به آنچه بیان شد، مشارکت در دولت‌سازی در بسیاری از موارد به نسخه جدیدی به جز اجرای واقعی، دقیق و کامل مأموریت و وظایف دستگاه‌ها در قالب و چارچوب اصول و ارزش‌های اسلامی نیاز ندارد، مشروط بر آن‌که زمینه‌های معنوی لازم و کافی در مدیران، کارکنان و ساختار دستگاه موردنظر وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت باید به‌عنوان

پیش‌نیاز تحقق این هدف، برای ایجاد تحول معنوی و معرفتی و به‌عبارت‌دیگر ایجاد باور مبتنی بر فهم کارساز، تدابیر لازم اندیشیده شود تا امکان تطبیق با مؤلفه‌های دولت اسلامی فراهم گردد.

بنابراین برای کمک به انجام این مسئولیت‌ها، می‌توان از موارد زیر به‌عنوان مهم‌ترین نقش‌ها و مسئولیت‌های اختصاصی و مؤثر نیروی انتظامی در ایجاد دولت اسلامی نام برد:

- توجه به معنویت در ابعاد گوناگون و ایجاد تحول معنوی، معرفتی و باورمندسازی در جهات مختلف اخلاقی، دینی و اعتقادی و نیز ساختار، سازمان، سیستم و روش، در درون سازمان.

- قانون‌مدار بودن و توجه به اخلاق و شرافت و نجابت و امانت و پاک‌دامنی و اجرای دقیق و کامل مأموریت و وظایف بر اساس شرع و قانون مصوب.

- اهتمام به ایجاد عدالت اجتماعی از طریق برقراری کامل امنیت عمومی در ابعاد مختلف از جمله: امنیت فردی، اجتماعی، اخلاقی و روحی و روانی در جامعه و کشور در چارچوب وظایف محوله.

- گسترش رفتار توأم با عدالت، مروت و ترحم نسبت به عامه مردم، به شکلی که نیروی انتظامی به پناهگاه دل‌های خائف و ترسان و جان‌های موردتهدید، تبدیل شود.

- تعمیم برخورد مقتدرانه، قاطع و درعین‌حال مشروع و قانونی با عناصر مخل امنیت و نیز کسانی که با ثروت‌های عمومی بازی می‌کنند، به‌گونه‌ای که محیط برای افراد گناهکار و متخلف ناامن شود و احساس ترس کنند.

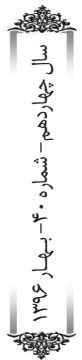
- در پایان باید از ضرورت گسترش و توسعه همه‌جانبه و فراگیر اصل امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان یک نقش و وظیفه عمومی و شاه‌کلیدی راهبردی در جهت سرعت بخشیدن به ایجاد دولت اسلامی و جلوگیری از انحراف در این مسیر، نام برد و بر نقش مهم و حیاتی نیروی انتظامی در این زمینه تأکید نمود.

منابع

- قرآن کریم (بر اساس ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند، نشر شاهد، تهران: ۱۳۸۶)
- نهج البلاغه. ترجمه و شرح علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر، خطبه ۴۰.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵). *امنیت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- اشرفی، اکبر و حمیدرضا داودی (۱۳۹۰). *قانون‌پذیری و امنیت ملی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)*، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، سال چهارم، شماره ۱۹.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). *امنیت*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- امام جمعه‌زاده، سید جواد و حسین درجانی (۱۳۸۹). *امنیت در اسلام، مبانی و قالب‌های فکری*، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال دوم، شماره ۵.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹). *ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام*، فصلنامه دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۲.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱). *آزادی در الگوی سه‌گانه اسلام*، کتاب چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *تنسیم، تفسیر قرآن کریم*، قم: نشر اسرا.
- حسنی فر، عبدالرحمن (۱۳۸۳). *دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، شماره ۲۳.
- ذاکر اصفهانی، علیرضا و زهرا صادقی (۱۳۸۷). *رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، تهدیدات و راهکارها*، دو فصلنامه سیاست (پژوهش حقوق و سیاست)، سال دهم، شماره ۲۵.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، تهران: سمت.
- رهامی، روح‌الله (۱۳۹۳). *امنیت انسانی و دولت (رهایی از ترس، رهایی از نیاز در دولت اجتماعی توسعه‌گرا)*، تهران: میزان.



- زارع قراملکی، محمد (۱۳۸۹). *اصول تفکر سیاسی در قرآن*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۴). *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- لمبتون، ان کی. اس (۱۳۷۴). *دولت و حکومت در اسلام*، ترجمه سید عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی، تهران: مؤسسه عروج.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۶۸). «بررسی مفهوم امنیت در سیاست تازه بین الملل»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۲۴۶-۲۴۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق.). *الکافی*، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه چاپ چهارم.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- محمدی، علی (۱۳۸۱). «نگاهی به مفهوم امنیت در جهان امروز»، روزنامه جام جم مورخ ۸۱/۸/۳۰.
- میراحمدی، منصور و اکرم شیری (۱۳۸۸). «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقهی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۸.
- نظری، علی اشرف و بهاره سازمند (۱۳۸۹). «توسعه و امنیت انسانی، امنیت انسانی به عنوان محور توسعه»، دوفصلنامه سیاست (مجله پژوهش حقوق و سیاست)، سال دوازدهم، شماره ۲۸.
- یوسفی، حیات الله (۱۳۸۹). *ساختار حکومت در اسلام*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- K. E. Rosengren (2000). "Advances in Scan dinavia content analysis: An introduction", *Advances in Content Analysis*, In K. E. Rosengren (F.D.), p. 9-19.
- M. S. Poole & J.P. Folger. (2000). "Modes of observation and the validation of interaction analysis schemes", *Small Group Behavior*, vol 12, p.477-493; O. R. Holsti, *Content analysis for The Social Sciences and Humanities*. <http://www>.



majlesekhoobregan.ir/fa/publications/mags/is_gv/ magazines/024/07.htm

- P.melryn Leffler. "The American conception of National security and the Beginnings of cold war", 1945-48, American Historical Review 89 (2). 1984. PP.246-81.

- R. W. Budd & R. K. Thorp, & L. Donohew. (2002). Content analysis of Communications; K. Lindkvist, "Approaches to textual analysis", Advances in content analysis, Eds: K. E.

Rosengren, p.23-41; D.G. McTavish.

«مبیتی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»
 الگوی کارآمد امنیت سیاسی در دولت اسلامی و نقش ناجا

Archive of SID